



مدیریت اسلامی و علوم بشری

پدیدآورنده (ها): جواد آملی، آیه الله عبدالله؛ مصطفی پور، محمدرضا

فلسفه و کلام :: نشریه پاسدار اسلام :: شهریور ۱۳۸۳ - شماره ۲۷۳

صفحات: از ۶ تا ۱۰

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1226833>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مدیریت اسلامی و علوم بشری (قسمت دوم)
- مدیریت اسلامی و علوم بشری
- مدیریت اسلامی و علوم بشری
- بررسی رابطه بین مدیریت استعداد و مدیریت سرمایه فکری با کیفیت زندگی کاری در کتابداران کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- تعیین سطح هوش سازمانی دانشجویان رشته مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- میزان تاثیر تماشای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی زبان بر سبک زندگی دانشجویان دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- ابزارهای مدیریت ارجاعات کتاب شناختی و کاربرد آن در محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ارتباط مدیریت دانش و مولفه های آن با ابعاد سازمان یادگیرنده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- در محضر عالمان؛ ضرورت برنامه ریزی و مدیریت صحیح برای اسلامی سازی علوم انسانی
- گزارش نشست علمی استادان مدیریت اسلامی دانشگاه ها در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت اسلامی

وعلوم بشری

آیة الله جوادی آملی

تفارش و تدوین:

حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفائی پور

در شماره‌های گذشته در زمینه مدیریت اسلامی حقایق و معارفی کلی مطرح شد و در نهایت به این مطلب پرداخته شد که مدیریت اسلامی با مدیریت علمی با هم هماهنگی دارند و مجتهدان و آگاهان به زمان می‌توانند با مراجعه به متون دینی مسائل مختلف را در زمینه مدیریت استخراج کنند. اکنون در تعقیب مسائل گذشته در این مقاله به عناصر محوری در قرآن و سپس به اهمیت کارشناسی در محدوده برهان عقلی می‌پردازد، آن‌گاه به الگوهای مدیریت دینی یعنی انبیاء الهی اشاره می‌کند.

■ **عناصر محوری مدیریت در قرآن**
خداوند متعال در قصه حضرت موسی و حضرت یوسف علیهما السلام به چهار عنصر محوری و کارساز در امر مدیریت اشاره فرموده است. «قدرت» و «امانت» دو عنصر محوری است که در داستان اجیر شدن حضرت موسی برای حضرت شعیب علیهما السلام آمده است: «قالت احدیهما یا أبت استأجره انّ خیر من استأجرت القوی

الأمین»^(۱) خداوند در این آیه شریفه از زبان دختر شعیب (ع) «قدرت» و «امانت» را دو صفت مهم اجیر خوب برشمرده است. بهترین اجیر کسی است که هم قدرت انجام و اداره کار را داشته باشد، هم امین و پاک باشد. قدرت گاهی بدنی است مثل توانایی جسمی لازم برای چوپان در رمه سرا، و گاهی قلمی و بیانی است نظیر قدرت بیانی که یک معلم باید در سر کلاس داشته

باشد، (یا قدرت بیان لازم برای خطیب در هنگام خطابه) و مانند آن. امانت و پاکی، هم در قدرت بدنی لازم است هم در قدرت قلمی و بیانی. هر مدیر و کارگزاری (برای اداره صحیح زیر مجموعه خود) باید واجد این دو عنصر محوری باشد. هم نیرومند و مسلط بر کارش باشد، هم چشم و گوشش پاک باشد. قدرت و امانت در این داستان نسبت به ساده‌ترین و نازل‌ترین شأن و کار

اجرائی کشور (چوپانی) بیان شده است. دو عنصر محوری نیز مربوط به پیچیده‌ترین کارها و شئون اجرایی جامعه یعنی وزارت است که در داستان حضرت یوسف علیه السلام در پست وزارت آمده است. و آن دو کارشناس علمی و فنی (اقتصادی) بودن و امانت و پاکی است: «و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال اناک الیوم لدینا مکین امین» * قال اجعلنی علی خزائن الارض ائی حفیظ علیم»^(۲) زمام داری اقتصاد کشور در شرایط قحطی و خشکسالی از دشوارترین و پیچیده‌ترین کارهاست. حضرت یوسف (ع) در آن سال‌های قحطی وزیر امور اقتصادی و دارایی کشور پهناور مصر بود و این سمت را خود او به پادشاه مصر پیشنهاد داده بود. دو عنصر محوری لازم برای این سمت، علم و امانت است. یعنی از جهت علمی کارشناس اقتصادی باشد و از نظر عملی خداترس، و آن حضرت در بالاترین سطح از این دو صفت برخوردار بود. تعبیر «مکین امین» در آیه نخستین و «حفیظ علیم» در آیه بعدی بیانگر این دو عنصر محوری است. پس در کار اجرایی اگر چوپانی است، قدرت و امانت لازم است و اگر وزارت است، حفیظ و علیم بودن را می‌طلبند.

گفتنی است: تحصیل این عناصر محوری برای امر مدیریت به گونه مطلق لازم است. یعنی واجب، نسبت به اینها مطلق است نه مشروط. این امور از شرایط وجود واجبند نه شرایط وجوب واجب. از این رو، امور تحصیلی هستند، نه حصولی. تحصیل امانت و علم واجب است. تعهد و تخصص را باید ایجاد کرد.

بنابراین مراد از علم در آیه شریفه «انی حفیظ علیم» به معنای مسئله دان بودن نیست. بلکه بر پایه تناسب حکم و موضوع فن اقتصاد را می‌فهماند. یعنی من اقتصاد دانم پس اقتصاد کشور مصر را در این شرایط بحرانی که قحطی همه جا را فراگرفته است، به دست من بسپار.

این آیات ضمن بیان عناصر محوری مدیریت، الگوی عملی نیز ارائه می‌دهد. آری، هر کارگزاری که واجد این شرایط علمی و عملی باشد، در حوزه مسئولیت خود موفق

و سرفراز خواهد بود، اما اگر فاقد یکی از دو وصف تخصص و تعهد باشد، مشکل‌آفرین است.

مدیر جامعه باید فردی صالح و به دور از هرگونه فساد باشد تا بتواند زیر مجموعه خود را اصلاح کند. از این رو، حضرت موسی (ع) وقتی که برادرش هارون (ع) را به مدت چهل روز جانشین خود قرار می‌دهد، او را به اصلاح سفارش می‌کند؛ «و قال موسی لأخیه هارون اخلفنی فی قومی و أصلح و لاتتبع سبیل المفسدین»^(۳) در این چهل روز که جانشین منی باید مصلح باشی یعنی صالح فی‌نفسه و مصلح فی‌الغیر. چون اگر انسان خودش صالح نباشد، مصلح نخواهد بود.

■ چگونگی اعمال مدیریت

از آن جهت که مدیریت به معنای چگونگی اداره امور مردم و کشور است و مدیر کسی است که بر زیر مجموعه خود احاطه کامل داشته باشد و دایره‌وار همه را سرکشی کند. اعمال مدیریت به خصوصیت اشخاص برمی‌گردد از این رو ممکن است فردی همه احکام و رموز فن‌آوری را بداند ولی مدیر نباشد مثل کسی که قواعد ادبی، اوزان شعر، عروض و قافیه را می‌داند اما قریحه شعر گفتن ندارد و شاعر نیست.

اما در عین حال، مدیر باید هم به مسایل تئوری آگاهی داشته باشد و هم ذوق و هنر مدیریت را از این رو مدیر علاوه بر داشتن ذوق مدیریت باید شیوه‌های مناسبی را برای تحقق اهداف سازمانی به کارگیرد که به برخی از آن شیوه‌ها اشاره می‌شود.

■ رای زنی در امور

مدیریت صحیح و خوب در اموری که به دلیل عقلی تکیه دارد و در متون نقلی از آن سخنی به میان نیامده است، با تضارب آرا به دست می‌آید. همان‌گونه که تمسک به عام قبل از فحص جایز نیست، انکفای به رأی خاص در امور عقلی نیز قبل از تضارب آرا مجاز نیست. پس فحص در آرا و اندیشه دیگران جهت رسیدن به بهترین نوع مدیریت لازم است. در امور عقلی هیچ‌گاه افراد خاصی (غیر معصوم) میزان شریعت

نیستند که فقط فکر آنها حجت باشد.^(۴) خداوند فرمود: کشور را به کمک عقل با مدیریت صحیح اداره کنید. راه عقل هم جستجو و گفتگو و تلاش و تکاپو است که با مشورت و تضارب آراء محقق می‌شود. چون همه عقل نزد همگان است، در انحصار فرد یا گروه خاصی نیست.

بنابراین درباره چگونگی اداره امور کشور، بررسی آرای همه صاحب نظران علمی و فنی که در رسیدن به نتیجه جزیی نقش دارد، لازم و ضروری است. چون عقل جمعی برای دست یابی به حجت شرعی در منطقه الفراغ بسیار راهگشاستر از عقل فردی است.

■ کارشناسی در محدوده برهان

عقلی

مدیریت که جزو علوم انسانی است، از مجموع ادله نقلی و براهین عقلی حاصل می‌شود. ادله نقلی و قوانین کلی مانند: اصول ارزشی (باید و نباید)، احکام و حقوق، احادیث و سنت و سیره عملی معصومین (ع) در امر مدیریت اگر با براهین عقلی کارشناسی شود، برای مدیریت کشور کافی است.

گفتنی است: کارشناسی در محدوده برهان عقلی مانند دلیل نقلی گاهی جزئی و گاهی کلی است. و هر دو حجت است. جزئی بودن دلیل نقلی مثل نصب علی (ع) مالک اشتر را به ولایت مصر که یک امر شخصی بامعیارها و محدوده‌های شخصی است. کلی بودن دلیل نقلی مانند: هر دستور کلی که از سوی معصوم (ع) رسیده باشد.

برهان عقلی نیز که انسان به وسیله آن به چیزی جزم پیدا می‌کند، گاهی در مطالب و اصول کلی است. مانند: تدوین قانون اساسی یک کشور و گاهی ممکن است در مسایل جزئی باشد که راه‌آورد علوم تجربی و حسّی است. نظیر: فعالیت‌های بخش‌های خصوصی، وزارت‌خانه‌ها و مانند آن. چون عقل در مقابل علم یا حس نیست. عقلی که حجت خداست و در درون انسان‌ها نهادینه شده، خصوص عقل مطرح شده در حکمت و کلام نیست، بلکه عقلی است که انسان با او به چیزی جزم پیدا کند. از این رو، آنچه که

انسان با حس و تجربه فراهم کند نیز زیر مجموعه عقل به معنی عام است. مثلاً کسی که در منطقه‌ای چندین سال کار کشاورزی کرده است، اگر بگوید این منطقه خشکسال یا باران سال است، آبش کم و زیاد است، سفره‌های آب زیر زمینی‌اش دور یا نزدیک است، سخن این شخص مدیر مدبر که تجربه چندین ساله درباره منطقه خاص دارد، حجت خداست. چنین شخصی اگر بی‌راهه رود و از تجربه علمی و عملی خود در بهره‌وری صحیح از زمین منطقه استفاده نکند، در قیامت مسئول خواهد بود. زیرا به آب و خاک منطقه خسارت وارد کرده و به مردم این سرزمین ضرر و زیان رسانده است.

بنابراین نظر کارشناسانه کارگزارانی که در رشته خاصی تجربه و تخصص دارند، حجت بین آنها و خداست. پس اگر مسئولیت و مدیریت بخشی از کشور را پذیرفتند ولی بر پایه تجربه علمی خود کار نکردند، نزد خداوند مسئول خواهند بود. اما اگر در راستای مسئولیت و محور تخصص و تجربه خود انجام وظیفه کردند، اتفاقاً حادثه‌ای رخ داد یا پیش آمد پیش بینی نشده‌ای از حوادث طبیعی مانع از به ثمر رسیدن تلاش و کوشش آنها گردید، مسئولیتی متوجه آنان نخواهد بود و معذورند. مانند مجتهدی که به رغم اجتهاد روش مندان به حکم واقعی نرسیده باشد. پس فتوای کلی و جزئی که از عقل برهانی یا عقلی که از تجارب گذشته بهره برده (علم حسی) بدست آمده مانند نقل جزئی و کلی. کاشف از اراده الهی و حجت خداست و هرچه حجت خدا باشد، جزو دین خداست و اطاعت و عصیان در برابر آن پاداش و کیفر اخروی را در پی دارد.

■ بهره‌وری از عقل جمعی

آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی در مقدمه رساله «تنبیه الامه و تنزیه الملة»^(۵) درباره لزوم بهره‌وری از عقل جمعی جهت اداره امور کشور می‌فرماید:
«...غایت آنچه به حسب قوه بشریه، جامع این جهات و اقامه‌اش با اطراد و رسمیت، به جای آن قوه عاصمه عصمت و حتی با مغضوبیت مقام هم ممکن و مجازی

از آن حقیقت و سایه و صورتی از آن معنا و قامت تواند بود، موقوف بر دو امر است: اول - مرتب داشتن دستوری که به تحدید مذکور و تمیز مصالح نوعیه لازم الاقامه از آنچه در آن حق مداخله و تعرض نیست، کاملاً وافی و کیفیت اقامه آن وظایف و درجه استیلاء سلطان و آزادی ملت و تشخیص کلیه حقوق طبقات اهل مملکت را موافق مقتضیات مذهب، به طور رسمیت متضمن و خروج از وظیفه نگاهبانی و امانتداری به هر یک از طرفین افراط و تفریط چون خیانت به نوع است، مانند خیانت در سایر امانات رسماً موجب انزال ابدی و سایر عقوبات مرتبه بر خیانت باشد. و چون دستور مذکور در ابواب سیاسی و نظامات نوعیه به منزله رسائل عملیه تقلید در ابواب عبادات و معاملات و نحوهمو اساس حفظ محدودیت مبتنی بر عدم تخطی از آن است، لهذا نظامنامه و قانون اساسی‌اش خوانند و در صحت و مشروعیت آن بعد از اشمال بر تمام جهات راجعه به تحدید مذکور و استقصاء جمیع مصالح لازمه نوعیه، جز عدم مخالفت فصولش با قوانین شرعیه، شرط دیگری معتبر نخواهد بود.

دوم - استوار داشتن اساس مراقبه و محاسبه و مسئولیت کامله. به گماشتن هیئت مسدده و رادعه نظاره از عقلاء و دانایان مملکت و خیرخواهان ملت که به حقوق مشترکه بین الملل هم خبیر و به وظایف و مقتضیات سیاسی عصر هم آگاه باشند برای محاسبه و مراقبه و نظارت در اقامه وظایف لازمه نوعیه و جلوگیری از هرگونه تعدی و تفریط و مبعوثان ملت و قوه علمیه مملکت عبارت از آنان و مجلس شورای ملی مجمع رسمی ایشان است...»^(۶)

بنابراین اگر کارشناسان با عقل جمعی مصلحت مملکت را این گونه تشخیص دادند و مصلحت اندیشی آنها مخالف با شریعت نبود، این به منزله رساله عملیه و حجت شرعی است. بر این اساس زندگی روزانه با مدیریت شرعی همراه است که بخش نقلی‌اش را فقیه می‌گوید و بخش عقلی‌اش را کارشناس. پس کار کارشناس حجت شرعی است، خصوصاً اگر کارشناسی آن

محصول عقل جمعی باشد. از این رو قانون اساسی مانند رساله عملیه است. در چنین فضایی مدیریت (حاکم)، مدیریت دینی و اسلامی است. چون شورای نگهبان نظارت بر عدم مخالفت مجموعه قوانین با شرع مقدس را بر عهده دارد. حصول این شرط برای اسلامیت نظام کافی است.

■ استفاده از سنت حسنه

خداوند انسان را با فطرت ثابت و طبیعت متغیر آفرید. همان گونه که فطرت ثابت را با رهبری وحی هدایت فرمود، طبیعت سرکش متغیر و سیال را نیز به هدایت عقل و نقل رام کرد. از آنجا که دین خدا تا روز قیامت پا برجاست و افراد بشر هم یکسان نیستند و جهان هم ثابت نیست، پس انسان باید عقل و نقلی را که خداوند به او ارزانی داشته است، هماهنگ کند و برای خود سنن خوب فراهم سازد.

سنت حسنه مورد تأیید عقل و نقل است. رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می فرماید: «من سن سنة حسنة فله أجرها و أجر من عمل بها من غير أن ينتقص من أجورهم شيء».^(۷)

مفاد این روایت در واقع دعوت به خلاقیت و اجتهاد است. مثلاً اگر کشت نهال در هفته‌ای که به نام منابع طبیعی نام‌گذاری شده است، به صورت سنت درآید و همه ساله اجرا شود، از مصادیق سنت حسنه خواهد بود. چون غرس نهال عقلاً کار خوبی است و روایات فراوانی هم در این زمینه رسیده است. و کسی هم نمی‌گوید: غرس نهال در روز چهارشنبه مستحب است تا شبهه قصد ورود و تشریح به وجود آید. پس اگر این کار همه ساله انجام پذیرد یعنی در هفته اول اسفند ماه به تعداد معینی با عزم ملی نهال غرس شود، به صورت سنت حسنه در خواهد آمد. مانند احداث حسینیه‌ها که اکنون بالغ بر هزار سال است که این سنت حسنه رواج دارد، در حالی که آیه و

روایتی درباره آن نرسیده است که مثلاً احداث حسینیه مانند مسجد ثواب داشته باشد، بلکه از مصادیق حدیث شریف یاد شده در مورد سنت حسنه است که شیعیان برای برپایی یادمان سالار شهیدان و زنده نگه داشتن واقعه کربلای امام حسین (ع) مکانی را به این نام ساخته‌اند و به صورت سنت حسنه درآورده‌اند. وگرنه کسی نگفته است که نماز در حسینیه مانند نماز در مسجد است، تا بدعت شود.

سنت حسنه به معنای خلاقیت، نوآوری و ابتکار است که با هماهنگی عقل و نقل صورت می‌گیرد. پس اگر عقل انجام کاری را امضاء کرد و به صورت کلی یا جزئی مورد تأیید نقل هم قرار گرفت، آنگاه به صورت سنت درآمد، سنت حسنه خواهد بود. در مقابل سنت حسنه، سنت سیئه قرار دارد که عقل و نقل مخالف آنند. مانند: چهارشنبه سوری، چون اتلاف جان و مال است. هر سنت سیئه‌ای به رهبری وهم انجام می‌گیرد. زیرا عقل که کنار برود، وهم رهبری می‌کند.

بر این اساس همه سنت‌های حسنه که نوعی ابتکار و خلاقیت‌اند و به رهبری عقلی که به نصاب حجیت رسیده و تأیید کلی یا جزئی نقل، انجام می‌گیرد، چنانچه به وسیله دولت دینی و نظام اسلامی به وجود آیند و ترویج شوند، نمونه‌هایی از مدیریت دینی خواهند بود.

اساساً دولت دینی، دولتی است که به دنبال برپا کردن سنت‌های حسنه است. اجتهاد عقلی هماهنگ با نقل در احداث سنت عادلانه و پرهیز از سنت جائزه نقش مؤثری دارد.

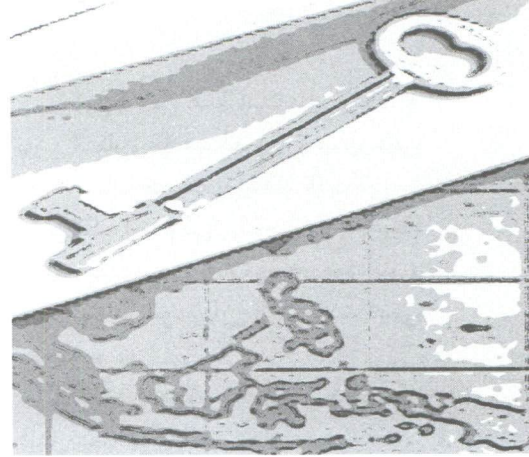
■ انبیاء (ع) الهی الگوی مدیریت دینی

غالب داستان‌های پیامبران الهی (ع) در قرآن نشانگر مدیریت دینی است. برخی از انبیاء (ع) به صورت رسمی و بعضی نیمه رسمی تشکیل حکومت داده‌اند و مدیریت جامعه را بر عهده گرفته‌اند.

هنگامی که پیامبری رهبری کشور را بر عهده می‌گیرد، انس و جن و حیوان زیر نظر اوست. نظیر حضرت سلیمان (ع) که جن و انس و طیر هم تحت اشراف مدیریت او قرار داشتند. داستان «عفریت من الجن» و «هدهد» در قرآن گواه بر این مدعاست؛ «و ورث سلیمان داود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر و اوئینا من کل شیء ان هذا لهُو الفضل المبین * و حشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر فهم یوزعون * ... و تفقد الطیر فقال مالی لأری الهدهد أم کان من الغائبین * لاعذبته عذاباً شديداً أو لأذبحته أو لیاتینی سلطان مبین * ... قال یا ایها الملؤا ایکم یا تینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین * قال عفریت من الجن أنا أتیک به قبل أن تقوم من مقامک و انسی علیه لقوی امین * ... قال هذا من فضل ربی لیسلونی أشکر أم أکفر و من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی عتی کریم *»^(۸)

پس آن که جن و حیوان رام اوست، انسان را نیز به خوبی اداره می‌کند. بنابراین دینی که رهبران آن چنین قدرت و نفوذی دارند، به یقین از اداره امور جامعه عاجز نیست.





■ علی(ع) الگوی مدیریت دینی

اگر مدیران جامعه اسلامی در زندگی شخصی خود از سنت و سیره علوی(ع) پیروی کنند، نسل جوان هرگز از چنین مدیریت و مدیران صالحی فاصله نمی‌گیرد. بیش از هشتاد درصد مشکل اخلاقی و اجتماعی مردم مسلمان به اشرافی‌گری و زندگی تجملاتی مدیران و صاحب منصبان باز می‌گردد. آنان چون در عمل نتوانسته‌اند آن حضرت را به مردم نشان دهند، سبب دوری مردم از دین و مظاهر دینی شده‌اند. اما اگر در زندگی شخصی، کمی خود را به آن حضرت نزدیک می‌کردند و مردم ساده‌زیستی و صداقت شان را می‌دیدند، گرایش غالب مردم نسبت به آن‌ها روز افزون می‌شد. جز اندکی که در برابر علی(ع) نیز می‌ایستند و حساب آنها جداست.

ذکر نمونه‌هایی از دوران مدیریت آن حضرت الگوی خوبی برای مدیران جامعه اسلامی است:

۱- علی(ع) آنگاه که مدیریت جامعه اسلامی را در کوفه بر عهده گرفت، روزی به مردم کوفه اعلام فرمود: ای اهل کوفه! هنگامی که از نزد شما می‌روم، اگر غیر از رحل و راحله و غلامم - که از اموال آن حضرت قبل از بیعت بود - چیز دیگری داشته باشم، خائن هستم؛ «یا اهل الكوفه اذا أنا خرجت من عندكم بغير رحلی و راحلتی و غلامی فاناً خائن».^(۹) گفتنی است: مفاد این خطبه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت اصل زیر آمده است: «داری یا رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست وزیر و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد».^(۱۰)

۲- مؤلف بزرگوار کتاب شریف الفارات^(۱۱) با سند خاص از یکی از مشایخ اش (درباره ساده زیستی علی(ع)) چنین نقل می‌کند: در سنین کودکی و در زمان خلافت علی(ع)، روزی به همراه پدرم جهت حضور در نماز جمعه آن حضرت وارد مسجد کوفه شدم. علی(ع) بر فراز منبر خطبه می‌خواند، هوا گرم و جمعیت زیاد بود. پدرم مرا برگردن خود نشانده. علی(ع) را مشاهده کردم که هنگام خطبه خواندن آستین‌هایش را تکان می‌داد. گمان کردم به سبب گرمای هوا و برای خنک شدن است و چون از پدرم سؤال کردم، او گفت: علی(ع) فقط یک پیراهن دارد، آن را شسته و برتن کرده است. شاید فرصت خشک کردن نداشته است؛ «عن ابی عثمان الروری عن ابی اسحاق السیعی قال: كنت علی عنق ابی یوم الجمعة و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - علیه السلام - یخطب و هو یتروّح بکفّه فقلت: یا أبه امیر المؤمنین یجد الحرّ؟ فقال لی: لا یجد حرّاً ولا برداً، و لکنّه، غسل قمیصه و هو رطب و لاله غیره فهو یتروّح به»^(۱۲)

۳- روزی در زمان حکومتش پیرمردی را دید که تکذبی می‌کرد. چون از حال او جوپا شد و فهمید که پیرمردی نابینا و مسیحی است، دستور داد که از بیت‌المال او را تأمین کنید تا مجبور به تکذبی نشود؛ «مر شیخ مکفوف کبیر یسأل، فقال امیر المؤمنین(ع) ما هذا فقالوا یا امیر المؤمنین نصرانی قال فقال: استعملتموه حتی اذا اکبر و عجز منعموه! أنفقوا علیه من بیت المال»^(۱۳).

۴- داستان زن یهودی که در زمان حکومت علی(ع) خلخال از پایش ربودند و امام(ع) آن خطبه مهم را ایراد فرمود که اگر کسی از شنیدن این ماجرا دق کند و بمیرد، جای هیچ‌گونه ملامتی نیست،^(۱۴) نمونه دیگری از مدیریت دینی است. (یعنی حکومت دینی باید از چنان صولت و صلابتی برخوردار باشد که همه شهروندان‌اش احساس امنیت کنند و کسی جرأت تعرض به دیگری را نداشته باشد).

عهدنامه مالک اشتر منشور مدیریت دینی

۵- عهدنامه مالک اشتر مهمترین منشور مدیریت دینی است. امام علی(ع) در این

نامه اهم وظایف مدیران جامعه و چگونگی اداره کشور را بیان فرموده است. چگونگی رابطه مدیران با توده مردم، ترسیم وظایف طبقات مختلف مردم، وظیفه قضات، نظامیان، مدیران مالی، دولت مردان و مردم را، هم بیان فرمود، هم بر اساس آن عمل کرده است. از این رو می‌توان آن را منشور مدیریت دینی نامید و از اهم دلایل اثبات مدیریت دینی برشمرد. شرح این نامه نگارش چندین جلد کتاب در موضوع مدیریت را دربر می‌گیرد.^(۱۵)



پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره قصص، آیه ۲۶.
۲. سوره یوسف، آیه ۵۴-۵۵.
۳. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.
۴. هر علم حق و صدق و صالحی که برای جامعه بشری نافع باشد، قداست دارد. چون نوری است که از سوی خداوند نازل شده است. هر چند در دل کافر و منافق یافت شود. علم مقدس است گرچه عالم آلوده باشد. پس اگر علم یا فنی در مدیریت صحیح جامعه مؤثر باشد، فراگیری آن لازم است.
۵. این رساله علمی یک مقدمه و پنج فصل دارد و مطالعه آن برای آگاهی از اوضاع زمان مشروطیت لازم است. حریت و مساوات - در زمانی که استبداد دینی بر سر زبان‌ها بود - دو عنصر محوری است که در کلمات ایشان موج می‌زند.
۶. تنبیه الامة و تنزیه الملة، ص ۳۰-۳۱.
۷. بحار، ج ۷، ص ۲۳، ۱۵.
۸. سوره نمل، آیه ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، آیه ۳۹، ۴۰.
۹. الفارات، ص ۴۴.
۱۰. قانون اساسی، اصل ۱۴۲.
۱۱. الفارات نام کتابی است که مؤلف آن غارت‌های حکومت اموی در زمان خلافت علی(ع) را در این کتاب برشمرده و نامه‌های اعتراض آمیز آن حضرت را گردآورده است. این کتاب صدسال قبل از نهج البلاغه سید رضی نوشته شده است و از منابع قوی و امتیازش بر نهج البلاغه مستند بودن آن است.
۱۲. الفارات، ص ۶۲.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۶.
۱۴. «...ولقد بلغنی أن الرجل منهم کان یدخل علی امرأة المسلمه و الاخری المعاهدة فینتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعتها، ما تمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترجاح ثم انصرفوا وافرین مانال رجلا منهم کلم، و لا اریق لهم دم، فلو أن امرا مسلماً مات من بعد هذا أسفا ماکان به ملوما بل کان به عندی جدیراً...» نهج البلاغه، خ ۲۷.
۱۵. شرح فرازهایی از این نامه در کتاب اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی آمده است.